



A Study of the Reason and Method of Prohibition of Wine and Alcoholic Beverages in Response to the Book “Critique of the Qur’an”

Zahra Gohari ¹ 

1. PhD in Quran and Hadith Sciences, Usuluddin University of Tehran; z.gohari313@gmail.com

Abstract

Human life is always plagued by problems, and if a person doesn't know how to deal with them, instead of solving them, he prefers to forget them, even for a short time, by drinking intoxicating beverages. However, Islam forbids drinking alcohol and requires the implementation of hadd (Islamic punishment). The author of "Critique of the Qur'an" sought to challenge the Islamic ruling on the prohibition of alcohol by raising five doubts. This research, which is a type of fundamental research aims to improve the planning of human society, and its approach is descriptive-analytical through a library-based method. The results of the study show that firstly, alcohol is also prohibited in other divine religions, as noted in various verses of the Holy Bible. Secondly, according to recent medical research, drinking alcohol, whether in small or large quantities, causes irreversible damage to various organs of the body, especially the brain, nerves, and digestive system, and causes fetal alcohol syndrome, which is a wide range of physical disorders and mental and structural abnormalities in the fetus. Thirdly, to prevent the various harms that befall human society and its offspring, severe punishments were prescribed for drinking alcohol in the Old Testament and Islam. The Torah prescribes stoning, while in Islam, a drunkard is sentenced to eighty lashes for the first and second offenses, and to death for the third offense. Fourthly, Islam prohibits not only alcohol but also any substance that intoxicates the human mind. Fifthly, the Taliban leader in Afghanistan, both at the beginning of the group's existence and now that they have become rulers of the country, has banned the use and trafficking of all types of drugs and alcohol. **KEYWORDS:** Alcoholic Beverages, Fetal Alcohol Syndrome, Book of the Critique of the Qur'an, Taliban, Drugs.

Research Article



Received: 2024-09-03; Received in revised form: 2024-11-26; Accepted: 2024-12-18; Published online: 2025-03-10

©The Author(s). Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



بررسی چرایی و کیفیت حرمت شراب و نوشیدنی های الکلی در پاسخ به کتاب نقد قرآن

زهرا گوهری^{id}

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصول الدین تهران؛ z.gohari313@gmail.com

چکیده

زندگی بشر همواره با مشکلاتی همراه است و انسان اگر راه کار مواجهه با مسائل را نداند، به جای حل آن‌ها، ترجیح می‌دهد ولو برای مدت کوتاه آن‌ها را به فراموشی سپرده و به نوشیدن مشروبات الکلی بپردازد. لکن دین اسلام نوشیدن آن را حرام و مستلزم اجرای حد می‌داند. نویسنده کتاب نقد قرآن با ایراد پنج شبهه، خواسته است قانون حرمت شراب را در اسلام به چالش بکشد. نتایج این تحقیق که از نوع تحقیقات بنیادی برای بهبود برنامه‌ریزی جامعه انسانی و رویکرد آن توصیفی-تحلیلی و روش آن کتابخانه‌ای است، نشان می‌دهد اولاً شراب در سایر ادیان الهی نیز حرام است و این مطلب در آیات مختلف کتاب مقدس مشاهده می‌شود، ثانیاً بنا بر تحقیقات پزشکی جدید نوشیدن شراب چه کم چه زیاد، در ارگان‌های مختلف بدن، به خصوص مغز و اعصاب و گوارش، صدمات جبران ناپذیری به جامی‌گذارد و سندروم الکلی جنین که طیف وسیعی از اختلالات بدنی و ناهنجاری های عقلی و اسکلتی است، برای جنین ایجاد می‌شود. ثالثاً برای ممانعت از ایجاد صدمات مختلف به جامعه انسانی و نسل او، برای شرابخواری در عهدین و اسلام مجازات شدید در نظر گرفته شده که در تورات سنگسار و در اسلام، دو بار اول هشتاد ضربه تازیانه و در بار سوم قتل شرابخوار دستور داده شده است. رابعاً نه تنها شراب، بلکه هر ماده‌ای که عقل انسان را بپوشاند در اسلام حرام اعلام شده و خامساً رهبر طالبان در افغانستان چه در بدو ظهور این گروه و چه اکنون که حاکمان این کشور هستند، استعمال و تجارت هر گونه مواد مخدر و شراب را ممنوع اعلام کرده است.

کلیدواژه: نوشیدنی های الکلی، سندروم الکلی جنین، کتاب نقد قرآن، طالبان، مواد مخدر.

۱. مقدمه

از هنگام نزول قرآن، همواره مخالفان وحی الهی، درصدد مقابله با قرآن برآمده‌اند؛ اما آیات تحدی قرآن نشان می‌دهند هیچ‌گاه در این امر موفق نخواهند بود. در صدر اسلام، دشمنان با ایجاد جنگ‌های ابتدایی، خواستند پیام الهی به گوش جان انسان‌ها نرسد؛ اما از باب «يُرِيدُونَ اَنْ يُطْفِئُوا نُوْرَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ وَيَاْبَى اللّٰهُ اِلَّا اَنْ يُّتَمَّرَ نُورُهُ» اسلام در سراسر جهان گسترش یافت. لذا مساوق با جنگ‌های ابتدایی، به ایجاد شبهه برای تحریف مطالب قرآن دست زدند. کتاب «نقد قرآن» نیز از همان دست فعالیت‌هاست که از شخص مجهولی به نام دکتر سها در رد مطالب قرآن نوشته شده است. این پژوهش در پاسخ به شبهه واردۀ او نسبت به چرایی و کیفیت حرمت شراب در قرآن تهیه شده است.

۱-۱. بیان مسئله

شراب‌خواری در دوران زندگی بشر، همواره وجود داشته است. ادیان الهی همواره با این پدیده در زندگی انسان‌ها مخالف بوده‌اند و این مخالفت اختصاصی به دین اسلام ندارد. درزمینه اثبات زیان بار بودن شراب‌خواری در زندگی بشر، پژوهش‌های متعدد در زمان‌های گوناگون صورت گرفته است. لکن کسانی که به هر دلیل به شراب‌خواری اقبال نشان داده‌اند، با طرح دلایل به ظاهر متقن، درصدد اثبات این مسئله بودند که این مطلب، چندان مهم نبوده و در زندگی افراد خللی ایجاد نمی‌کند. ازجمله نویسنده کتاب نقد قرآن، در اثبات موارد متناقض با دلایل علمی و عقلی در قرآن، به منابع اسلامی موردنظر خود، مخصوصاً صحیحین بخاری و مسلم و سیره رسول اکرم (ص) در کتاب‌های ابن اسحاق، ابن هشام و تاریخ طبری مراجعه کرده است. بنا بر برداشت‌های نویسنده، پنج دلیل بر بی‌پایه بودن احکام قرآن در موضوع شراب‌خواری عنوان شده است: الف) شراب‌خواری که از طریق شهادت یا اقرار ثابت می‌شود، فقط در اسلام به عنوان جرم محسوب می‌شود.

ب) از نظر علمی، خوردن کم شراب زیان جدی ندارد و حتی زیانش از سیگار هم کمتر است. چنانچه اکثر مردم جهان هزاران سال است که مصرف می‌کنند و در عربستان قبل از اسلام هم استفاده می‌شده و فاجعه‌ای رخ نداده است.

ج) مجازات شراب‌خوار در اسلام، در مرتبه اول و دوم هشتاد ضربه شلاق است و در بار سوم باید کشته شود. این مجازات با جرم تناسب ندارد.

د) مصرف مواد زیان‌باری مانند سیگار، تریاک، هروئین، حشیش و داروهای روان‌گردان، در اسلام حتی حرام هم نیست، چه برسد به این‌که برای آن حد

تعیین کنند. چون در زمان پیامبر اسلام شناخته شده نبودند.

ه) طالبان، اسلامی‌ترین گروه در جهان، با تولید ۹۰٪ مواد مخدر دنیا، پول جهاد با کفار را به دست می‌آورد و آن را حرام نکرده است.

بر اساس پژوهش‌های مختلفی که در باب زیان بار بودن شراب خواری صورت گرفته، آسیب‌های وارده از این موضوع در زندگی بشر قابل چشم‌پوشی نیست. هدف این پژوهش آن است که نه تنها این آسیب‌ها را در حوزه‌های مختلف بهداشت و سلامتی و حوزه اخلاقی و اجتماعی بررسی کند، بلکه به جهت جلوگیری از این آسیب‌ها که هدف ادیان الهی هستند، حرمت شراب خواری در همه ادیان الهی را نیز مستدل و تبیین کند.

۱-۲. پیشینه

از زمان انزال وحی چه در متن قرآنی و چه آورنده آن رسول اکرم (ص)، شبهه وارد شده است. اساساً شبهه، می‌تواند امری پسندیده و ضامن پیشرفت علم و دانش باشد، به شرطی که انسان پس از مطالعه پیرامون آن به یقین رهنمون شود. امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۳۸ نهج البلاغه، شبهه را این‌گونه تعریف می‌کند: «وَأِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضِيَاؤُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَ دَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى وَ أَمَّا أَعْدَاءُ اللَّهِ فَدَعَاؤُهُمْ فِيهَا الضَّلَالُ وَ دَلِيلُهُمُ الْعَمَى»؛ شبهه را به این خاطر شبهه می‌گویند که شبیه حق است، اما چراغ اولیای خدا در امور شبهه‌ناک، یقین و راهنماییشان، راه هدایت است. ولی دعوت‌کننده دشمنان خدا در مسیر شبهه، ضلالت و راهنماییشان کوردلی است.

کتب متعددی در فریقین، عهده‌دار پاسخ به شبهات گردیده‌اند. کتاب «البرهان فی متشابه القرآن» و «اسرار التکرار فی القرآن» اثر محمود بن حمزه کرمانی، کتاب «شبهات و ردود حول القرآن الکریم» محمدهادی معرفت، کتاب «اسرار الحروف و یلیه الحروف المقطعه فی القرآن الکریم» کاظم محمدعلی شکر، کتاب «عصمه الانبیاء فی القرآن الکریم» آیت الله جعفر سبحانی، کتاب‌های «احکام القرآن» که از ابن عربی و جصاص و شافعی هستند، همگی به شبهات پیرامون قرآن به صورت مستقیم و غیرمستقیم پرداخته‌اند. البته این کتاب‌ها به شبهات عمومی پرداخته‌اند و اختصاصی به بررسی شراب خواری ندارند. در زمینه بررسی موضوع شراب و حرمت آن، کتاب‌های اختصاصی هم وجود دارد. از جمله:

کتاب «آخرین دستاوردها پیرامون شراب خواری» مؤلف مهران خوش سلوک و سحر جواد پور. در این کتاب به طور گسترده پیامدهای نامطلوب مصرف مشروبات الکلی و مبانی فقهی حرمت آن بررسی شده، لکن حرمتان از دیدگاه دیگر

ادیان و بقیه شبهات کتاب نقد قرآن پاسخ داده نشده است. کتاب «اثرات مشروبات الکلی از دیدگاه دانش پزشکی و دانشمندان غرب» مؤلف علی اصغر اکبری هم آسیب‌های مشروبات الکلی از نظر پزشکی را مورد تحقیق قرار داده، ولی نظر کتاب مقدس درباره آن را بیان نکرده است.

کتاب «گناهان و محرمات در اسلام» مؤلف همت سهراب پور، شراب خواری از دیدگاه اسلام را بررسی کرده، ولی به حرمت این مطلب از دیدگاه کتاب مقدس نپرداخته است.

کتاب «پرسش‌ها و پاسخ‌های روز» مؤلف احمد دهقان نیز به فراخور کتاب به آسیب‌های شراب خواری پرداخته، ولی برای پاسخ‌گویی به شبهات کتاب نقد قرآن کافی نیست.

در هر صورت مطابق آموزه‌های ائمه (ع)، مواجهه با شبهات، باید مبتنی بر استدلال و کریمانه باشد تا یقین حاصل شود و بدین وسیله راه هدایت گسترش یابد.

۳-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

از آنجاکه مطابق آیات قرآن کریم، بیانات این کتاب برای هدایت عموم مردم است، باید برای تبیین مفاهیم آیات در نزد جوامع و روشنگری اذهان عموم مردم تلاش کرد. امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۱۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «مَنْ ضَيَّعَهُ الْأَقْرَبُ أَتَيْحَ لَهُ الْأَبْعَدُ»؛ آن را که نزدیک واگذارد، یاری بیگانه بسیار دور را دریابد. اگر نتوانیم اذهان مردم را نسبت به فرمان‌های قرآن، به طور مستدل و عقلانی خاضع و خاشع کنیم، دشمنان اسلام ناجوانمردانه قلوب و عقول آن‌ها را تسخیر می‌کنند. این مقاله از نوع تحقیقات بنیادی و با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد کتابخانه‌ای در مقام تبیین مستدل شبهات بیان شده در کتاب نقد قرآن، برآمده و پنج ایراد وارده بر احکام شراب خواری در اسلام را مورد بحث قرار داده است. در این روش کتاب‌های موجود در این موضوع مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس شبهات وارد شده، پاسخ مناسب و کامل ارائه می‌گردد.

۲. پاسخ به شبهات مطروحه

۲-۱. پاسخ اول در مورد منابع کتاب

مطابق گفتار نویسنده نقد قرآن درباره منابع این کتاب، فقط از قرآن و سنت استفاده شده و سنت هم به سنت معتبر، شامل کتب معتبر احادیث نبی، خصوصاً صحیحین بخاری و مسلم و کتب سیره ابن اسحاق، ابن هشام و تاریخ طبری مراجعه شده است. با توجه به این گفتار، فقط به منابع اهل سنت مراجعه و منابع شیعیان

نادیده انگاشته شده است. درحالی که در شبهات مطرح شده به احکام شیعه ایراد گرفته، ولی از مراجعه به کتب صحیح منابع روایی شیعه، غفلت ورزیده است.

۲-۲. پاسخ به پنج شبهه مطرح شده

شبهه اول: جرم بودن شراب خواری فقط در اسلام

نویسنده نقد قرآن، بیان می کند که شراب خواری فقط در اسلام جرم است. درحالی که با یک مراجعه مختصر به کتاب مقدس، حرام بودن شراب در مسیحیت و یهودیت، مشخص می شود. کتاب مقدس، شامل عهد قدیم و عهد جدید است که بنا بر توافق مسیحیان و یهودیان، قوانین این دو کتاب، باید از طرف پیروان هر دو دین الهی رعایت شود.

نهی از شراب خواری و عواقب آن در عهد عتیق: در عهد عتیق، درباره قوانین برای کاهنان، این طور آمده است: خداوند به هارون فرمود: «هرگز بعد از خوردن مشروب، وارد خیمه مقدس نشوید، زیرا خواهید مرد و این قانون دائمی برای تو و پسرانت و نسل های آینده است. شما باید فرق بین مقدس و غیر مقدس و پاک و ناپاک را بدانید و همه احکامی را که من به وسیله موسی به تو دادم، باید به تمام قوم بنی اسرائیل تعلیم بدهی» (لاویان، ۱۰: ۸-۱۱). از این آیات عهد عتیق می توان متوجه شد که شراب از زمان حضرت ابراهیم و حضرت هارون، نه تنها بر خود این انبیاء حرام بوده، بلکه مکلف بوده اند حرمت آن را به پیروانشان بیاموزند.

در آیات دیگر عهد عتیق، قانون بسیار سخت گیرانه تر است و حتی انگور و کشمش هم نباید خورده شود. «خداوند به موسی فرمود این دستورها را به قوم بنی اسرائیل بدهد: هر مرد یا زنی که نذر مخصوصی کند و خود را وقف خداوند نماید تا هنگامی که خود را وقف خداوند کرده است، نباید مشروبات الکلی، شراب، سرکه و آب انگور بنوشد و نباید انگور، کشمش و هر چیزی که از تاک به دست آمده باشد، حتی دانه و پوست آن را بخورد» (اعداد: ۶: ۴-۱).

در عواقب شراب خواری، در کتاب امثال، این طور آمده است: «مصیبت و بدبختی نصیب چه کسی می شود؟ چه کسی همیشه، جنگ و دعوا برپا می کند؟ چه کسی بی جهت زخمی می شود و چشمانش تار می گردد؟ کسی که دائم شراب می خورد و به دنبال میگساری می رود. پس فریفته شراب سرخ فام نشو که در جام به تو چشمک می زند و بعد آهسته از گلویت پایین می رود. در آخر همچون مار تو را خواهد گزید و مانند افعی تو را نیش خواهد زد» (امثال، ۲۳: ۲۹-۳۳) در کتاب هوشع، این گونه آمده است: «زنا، شراب کهنه و نو، عقل قوم مرا از بین برده است»

(هوشع نبی، ۴: ۱۱). در سفر داوران، فرزند شایسته‌ت خداوند را کسی می‌داند که مادرش شراب نخورده باشد. «در شهر صرعه، مردی زندگی می‌کرد که از طایفه دان و نام او مانوح بود. زن او نازا بود و نمی‌توانست فرزندی داشته باشد. روزی فرشته‌ت خداوند نزد آن زن آمد و گفت: تو نازا هستی و طفلی نداری، اما باردار می‌شوی و فرزندی به دنیا می‌آوری. باید از خوردن شراب و هر نوع مسکرات خودداری کنی و چیزهای حرام نخوری... زیرا پسرت از زمان تولد تا روز وفات نذر خداوند می‌باشد» (داوران، ۱۳: ۷-۲). همچنین در مجازات فرزند شراب‌خوار، این چنین آمده است: «اگر شخصی پسر نافرمان و سرکش داشته باشد و از والدین خود اطاعت نمی‌کند، باید او را نزد رهبران شهر ببرند و بگویند: پسر ما سرکش و سرسخت است و از اطاعت کردن، خودداری می‌کند، و لخرج و میگسار است، آنگاه مردان شهر او را سنگسار کنند» (تثنیه، ۲۱: ۱۸-۲۱).

نهی از شراب‌خواری در عهد جدید: در آیات عهد جدید (انجیل) نیز، موارد متعددی از نهی شراب‌خواری مشاهده می‌شود. در انجیل لوقا، درباره‌ی فضیلت حضرت یحیی، این‌طور آمده است: «ای زکریا نترس، دعاهای تو مستجاب شده و همسرت برای تو پسری خواهد زایید... او در نظر خداوند بزرگ خواهد بود و هرگز به شراب و باده لب نخواهد زد» (لوقا، ۱: ۱۳-۱۶). در کتاب تیطس، از شراب‌خواری اسقفان نهی شده است. «رهبرانی که در کلیساها در هر شهر بگماری، باید اشخاصی بی‌عیب و بی‌آلایش ... باشند نه خودخواه و نه تندخو و نه مست باده» (تیطس، ۱: ۵-۹) در کتاب افسسیان، عواقب شراب‌خواری را بیان می‌کند: «مست شراب نشوید، زیرا شراب شما را به سوی کارهای زشت می‌کشاند. بلکه از روح‌القدس پر شوید» (افسسیان، ۵: ۱۸-۱۹).

در مورد ماجرای شام آخر و پیاله‌ای که حضرت عیسی (ع) چیزی را از آن آشامیده است، این‌طور آمده: «وقتی ساعت معین رسید، عیسی با رسولان بر سر سفره نشست و به آنان فرمود چقدر مشتاق بودم که پیش از مرگم این فصیح را با شما بخورم... بعد پیاله‌ای به دست گرفت و پس از شکرگزاری گفت: این را بگیرید و بین خودتان تقسیم کنید. چون به شما می‌گویم از این لحظه تا آن زمان که پادشاهی خدا فرامی‌رسد، من دیگر شراب نخواهم خورد» (لوقا، ۲۲: ۱۴-۱۹).

از بیانات حضرت عیسی، این‌طور برمی‌آید که ایشان به احکام تورات پایبند هستند: «فکر نکنید که من آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های انبیا را منسوخ نمایم. نیامده‌ام تا منسوخ کنم، بلکه تا به کمال برسانم. یقین بدانید تا آسمان و زمین برجای هستند، هیچ حرف و نقطه‌ای از تورات از بین نخواهد رفت تا همه‌ی آن به انجام برسد. پس

هرگاه کسی حتی کوچک‌ترین احکام شریعت بشکند و به دیگران تعلیم دهد در پادشاهی آسمان، پست‌ترین فرد محسوب خواهد شد» (متی، ۵: ۱۵-۱۹).

مطابق این بیان، قطعاً حضرت عیسی به حرمت شراب معتقد و از نوشیدن آن خودداری می‌کند.

پاسخ شبهه اول: مطابق بررسی‌های متن کتاب مقدس در عهد قدیم و جدید، این نتایج به دست می‌آید:

۱. در هر دو کتاب عهد قدیم و جدید، به طور مکرر از شراب خواری نهی شده است.
 ۲. این نهی در مورد کاهنان و اسقفان که مأمور به تربیت افراد جامعه هستند، قوی‌تر است.
 ۳. مجازات شراب خواری در یهودیت که مسیحیت هم آن را نسخ نکرده، سنگسار بیان شده است.
 ۴. شراب، عقل را زایل کرده و به دنبال آن، انسان مرتکب اعمال نادرست می‌شود.
 ۵. اگر کسی می‌خواهد در درگاه خداوند محبوب باشد، باید از نوشیدن شراب خودداری کند.
- بنابراین شبهه اول نویسنده نقد قرآن که مدعی است حرمت شراب فقط در اسلام بیان شده، وارد نیست.

شبهه دوم: زیان بار نبودن جدی شراب و مشروبات الکلی

هر فردی برای مقابله با این مشکلات، راهکاری را برمی‌گزیند. بدترین کار آن است که به جای مواجهه و حل مسئله، به دنبال فراموشی و فرار از آن مسئله باشند. از طرف دیگر، هر انسانی برای تمدد اعصاب و روحیه، احتیاج به اوقات فراغت دارد. گاهی بعضی انسان‌ها، روش درستی برای گذران این اوقات فراغت ندارند. متأسفانه میگزساری و شراب خواری روشی است که هر دو روی مطلب را پوشش می‌دهد. به عبارت دیگر هم می‌تواند برای زندگی‌های مصیبت‌زده، عاملی برای فراموشی و فرار از مسئله‌ای باشد که با ظاهر بغرنج، زندگی فرد را درگیر کرده است، هم می‌تواند برای مرفهین بی‌درد، عاملی برای پر کردن اوقات فراغت باشد.

بر پایه تحقیقات و نظریه شرطی شدن عاملی، مردم زمانی به نوشابه‌های الکلی پناه می‌برند که یا احساس مثبت کنند یا از شدت احساس منفی مانند اضطراب کاسته شود (شاملو، ۱۳۸۱: ۲۲۴، به نقل از Baer, Wills, Lang, Marlatt, ۱۹۹۸). همچنین مشخص شده است که مردم به این دلیل زیاد مشروب می‌نوشند که از تفکرات منفی نسبت به خود رهایی پیدا می‌کنند (شاملو، ۱۳۸۱: ۲۲۴، به نقل از Hull, Young, Jouriles, ۱۹۹۵).

نویسنده نقد قرآن، معتقد است شراب از قدیمی‌ترین سرگرمی‌های بشر است که چه در عربستان قبل از اسلام و چه اکنون در کشورهای مختلف استفاده می‌شود و ضرر خاصی هم نداشته است.

برخلاف نظریه نویسنده، تحقیقات پزشکی بر تأثیرات عمیق و وسیع الکل بر دستگاه بدن انسان تأکید دارند. الکل بر مغز و اعصاب، استخوان‌ها، کلیه، کبد، گردش خون، هضم غذا، نوزاد و جنین بسیار مؤثر است. علاوه بر اثرات بدنی الکل، عوارض سوء اخلاقی هم در اثر نوشیدن مشروبات الکلی ایجاد می‌شود که در اثر آن‌ها، جرائم و جنایات اخلاقی و اجتماعی اتفاق می‌افتد. علاوه بر آسیب‌های بدنی و روانی که دامن‌گیر شراب‌خواران می‌شود، آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی در بسیاری مواقع چنان چشمگیر است که نمی‌توان از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. اکنون به اختصار، به بیان این آسیب‌ها پرداخته می‌شود.

الکل و ناهنجاری‌های جنینی: الکل، طیف وسیعی از نقایص جنینی، از عقب‌ماندگی ذهنی تا ناهنجاری‌های ساختمانی مغز، مانند میکروسفالی، هولوپروزفالی، ناهنجاری‌های صورت و قلب ایجاد می‌کند.

سندروم الکل جنینی (FAS (fetal alcohol syndrome) نشانگر طیف شدیدی از بیماری‌ها، شامل اختلالات ساختمانی، نقص‌های رشدی و عقب‌ماندگی‌های ذهنی است. نوع دیگری از اختلالات رشد عصبی وابسته به الکل به نام ARND (Alcohol related Neurodevelopmental Disorder) به مواردی اشاره دارد که شواهد درگیری دستگاه عصبی مرکزی وجود دارد، ولی معیارهای آن با FAS همخوانی ندارد. مجموع بروز FAS و ARND یک مورد در هر صد تولد زنده است. ولی در هر دو مورد الکل علت اصلی عقب‌ماندگی ذهنی تشخیص داده شده است. مهم آن است که مشخص نیست چه مقدار الکل برای بروز این اختلالات تکاملی، ضروری است (سدلر، ۱۳۹۴: ۱۸۷-۱۸۸).

طبق تحقیقات، نوزادانی که از پدران مشروب‌خوار به دنیا می‌آیند، ضعیف و مبتلا به تشنج‌های شدید بوده و در برابر عفونت‌ها، بسیار حساس‌اند. نقص بدنی و انحراف ستون فقرات، کر و لالی، عقب‌ماندگی عقلی، رشد نکردن ماهیچه‌ها در آن‌ها بسیار دیده می‌شود (Fa.parsiteb.com).

الکل و بیماری‌های کبدی: مصرف طولانی و زیاد الکل، یکی از علل عمده بیماری‌های کبدی محسوب می‌شود و مسئول ۵۰٪ مرگ‌ومیرها در انواع سیروز است. پاتولوژی بیماری کبد الکلی از سه ضایعه تشکیل شده است: کبد چرب، هیپاتیت الکلی، سیروز.

کبد چرب در بیش از ۹۰٪ الکی‌ها وجود دارد. پیش‌آگهی بیماری کبد الکی شدیداً ناامیدکننده است. میزان مرگ و میر بیماران هپاتیت الکی همراه سیروز در طی چهار سال به حدود ۶۰٪ می‌رسد. مصرف مضر الکل باعث ۳۱۵ میلیون مرگ در هر سال می‌شود. مرگ و میر ناشی از سیروز مستقیماً به سوء مصرف الکل مرتبط بوده و بار قابل توجهی در کشورهای غربی دارد. خانم‌ها بیشتر مستعد کبد الکی هستند و با میزان مصرف الکل کمتر، دچار بیماری شدیدتری می‌شوند. عفونت مزمن هپاتیت C در افراد دائم‌الخمر یک بیماری مهم است که باعث پیشرفت بیماری کبد الکی به سیروز می‌شود (دن لونگو، ۱۳۹۷: ۲۰۱۸).

الکل و بیماری‌های قلبی: الکل، سریعاً وارد خون شده و دستگاه گردش خون، قلب و عروق در معرض آسیب آن خواهد بود. در بیشتر حالات، قلب زرهی از چربی می‌پوشاند که کاملاً مزاحم کار کردن آن است؛ زیرا بدین ترتیب انقباض و انبساط نمی‌تواند به سهولت انجام گیرد و بطن چپ قلب، دیگر نخواهد توانست به آسانی و با نیروی کافی خون‌ها را به داخل شریان‌ها براند. اتساع قلب و بزرگ شدن آن، تپش دائمی، خفقان‌های شبانه و سکتۀ قلبی ایجاد می‌کند (فلسفی، ۱۳۷۸: ۴۹۵، به نقل از کی‌نیا: ۸۵۱-۸۵۳).

الکل و بی‌پروایی‌های اخلاقی و اجتماعی: کودکان و نوجوانان مشاهده می‌کنند که مردم اطراف آن‌ها از جمله خانواده و اقوام و دوستان برای سرخوشی و لذت بردن در میهمانی‌ها، مشروب می‌نوشند. در نتیجه آن را فعالیت مثبتی می‌پندارند که بزرگ‌ترها انجام داده و از آن الگوبرداری می‌کنند. نوجوان می‌پندارد با استفاده از مشروبات الکی، بر حیثیت اجتماعی آن‌ها افزوده می‌شود (شاملو، ۱۳۸۱: ۲۲۴). نوشابه‌های الکی پس از استعمال، سریعاً جذب خون شده و در مسیر مغز و نخاع، عمل سلسلهٔ اعصاب را ضعیف کرده، کف نفس که امری ارادی و مانع بروز اعمال وقیحانه است، از بین می‌رود؛ بنابراین، در ادامه، نقص شرم و حیا ایجاد شده و باضایع شدن قوهٔ درک، راه برای انجام هر عمل قبیح، تسهیل می‌شود. جنایات جنسی، آدم کشی، ضرب و جرح، دزدی و ولگردی در بسیاری موارد متعاقب نوشیدن نوشابه‌های الکی رخ می‌دهد (فلسفی، ۱۳۷۸: ۴۸۵-۴۸۶، به نقل از کی‌نیا: ۸۳۱-۸۴۳).

بنا بر نتایجی که در کنگرهٔ جهانی مبارزه با الکل و الکل‌سیسم ارائه شده است، حتی مصرف کم الکل، می‌تواند ضایعات مغزی بسیاری را سبب شود. مردم خیال می‌کنند مصرف کم الکل، نه تنها خطری ندارد، درحالی‌که تحقیقات نشان می‌دهد که مشروبات الکی حتی به میزان بسیار کم، سبب اختلال در کار سلول‌های مغزی می‌شود (فلسفی، ۱۳۷۸: ۴۹۱-۴۹۲).

پاسخ به شبهه دوم: بی ضرر بودن مشروبات الکلی به دلیل استفاده آن قبل و بعد از اسلام

مطابق بررسی‌های انجام شده، این نتایج حاصل می‌شود:

۱. ادعای نویسنده مبتنی بر تحقیقات مستند نیست و نامی از دانشمندی که در این نتیجه دخیل باشند، به میان نمی‌آید.
۲. بنا بر نتایج تحقیقاتی که ارائه شد، مشروبات الکلی، تأثیرات جبران نشدنی بر روی کبد، قلب و مغز، جنین و نوزاد می‌گذارند.
۳. الکل، با تخدیر عقل، اراده انسان را زایل کرده و زمینه برای اجرای اعمال وقیحانه و جرائم فراهم می‌شود.
۴. بنا بر تحقیقات، حتی نوشیدن کم مشروبات الکلی هم زیان بار است. بنابراین شبهه دوم نویسنده نقد قرآن هم وارد نیست و ضرر و زیان مشروبات الکلی بنا بر تحقیقات واضح و مبرهن است.

شبهه سوم: عدم تناسب جرم و مجازات

انسانی که شایستگی خلافت الهی را دارد، برنامه‌های زندگی خود را منطبق بر نظر شارع مقدس، تنظیم و اعمال فردی و اجتماعی خود را ملازم با قواعد شرعی قرار می‌دهد. طبیعتاً راه حل مشکلات، رویارویی صحیح و حل یا مدارا با آن‌ها است و فرار از مشکلات و فراموشی مقطعی آن‌ها دردی دوا نخواهد کرد. همچنین در برنامه‌ریزی زندگی یک انسان طبیعی باید ساعاتی برای اوقات فراغت در نظر گرفته شود تا برای ادامه درست برنامه‌ها، تجدیدقوا صورت بگیرد.

هر دو عامل، دستاویزی برای استفاده از مشروبات الکلی در تمام ادوار زندگی انسان‌ها، قبل از اسلام و بعد از اسلام، بوده است. بعد از ظهور اسلام، تحریم شرب خمر به دلیل رسوخ شراب‌خواری در فرهنگ جامعه، در ۴ یا ۵ مرحله صورت گرفته است. در این قسمت، ابتدا هویت انسان در نظام قرآن و علت نیاز به دین و اهمیت عقل در انسان مطرح و سپس مراحل تحریم شراب در قرآن و اعلام مجازات در روایات و تناسب مجازات با جرم بیان می‌گردد.

هویت انسان در نگاه قرآن: قرآن کریم، در مورد انسان از دو جنبه سخن می‌گوید: جنبه طبیعی و جنبه الهی. گرچه فصل مشترک انسان با حیوانات، خواسته‌های طبیعی اوست که برای رشد بدن او لازم است، اما آنچه انسان را انسان کرده است، روح الهی دمیده شده در اوست. این جنبه انسان مورد نظر خداوند است که او را شایسته خلافت و جانشینی پروردگار کرده است. قرآن کریم در بیش از پنجاه آیه، صفات نکوهیده‌ای را به انسان نسبت داده و او را سرزنش می‌کند. صفاتی مانند

بخیل، ضعیف، هلوع، جزوع، منوع، عجول، قتور، ظلوم، جهول و ... همه این صفات رذیله به طبیعت انسان برمی‌گردد؛ اما از آنجاکه بخش اصیل انسان، روح اوست، انسان را شایسته دریافت کرامت از جانب خداوند کرده است. بازگشت کرامت انسان به بخش طبیعی او، توجیه علمی و معقول ندارد؛ زیرا در میان حیوان‌ها، زیباتر از انسان هم وجود دارد، ولی کرامت الهی شامل حال آن‌ها نشده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰) (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۷۹-۸۰).

پس آنچه از نظر قرآن در مورد انسان، اصالت دارد روح اوست که زنده‌ای پاینده است، یعنی هرگز نمی‌میرد. از این بُعد انسان، در قرآن به فطرت هم یاد شده است که نه بدون جایگزین، تغییر می‌یابد تا به نابودی منتهی شود و نه با جایگزین، متفاوت می‌شود تا سخن از تبدیل به میان آید. «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم/۳۰) هر جا در قرآن سخن از تغییر خلق و تبدیل نعمت به میان آمده، پیروان شیطان در آن کار دخیل‌اند که خلقت خدا را تغییر می‌دهند: «فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» (نساء/۱۱۹) (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۳).

بنابراین در سیاق قرآن، انسانی حیات دارد که جنبه روحانی و فطری او که پشتوانه الهی دارد، زنده باشد. در این صورت این انسان از حیات معقول برخوردار است. حیات معقول، نوعی از زندگی است که در آن همه استعدادها و وجود آدمی تا آنجا که مقدور است در برطرف ساختن نیازهای مادی و معنوی او (نه نیازهای ساختگی) به فعلیت می‌رسد (جعفری، ۱۳۸۵: ۳۷۷-۳۷۹).

رابطه حیات معقول و احکام الهی: زندگی در حیات طبیعی معمولی که همه جانداران از آن برخوردارند، احتیاج به دین ندارد. بلکه در پاره‌ای از موارد، دین مزاحم آن است. چراکه در حیات طبیعی معمولی، انسان از هر چیز می‌خواهد به نفع خود بهره‌برداری کند؛ اما در حیات معقول که شخصیت انسانی متکی به آن است، چون مقصد نهایی انسان به سمت کمال مطلق است، روش حرکت او را هم همان کمال مطلق تعیین می‌کند. این برنامه حرکت به سوی هدف، احکام و تکالیف نامیده می‌شود که مبتنی بر دو رکن است: اخلاقیات و احکام فقهی. احکام فقهی به دو قسم تقسیم می‌شوند: احکام اولیه که مستند به نیازهای ثابت انسان است و جز در موارد اضطرار، هرگز تغییر و دگرگونی ندارند؛ مانند وجوب عبادات معین، تنظیم حیات فردی و اجتماعی از دیدگاه اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، حرمت قتل نفس، زنا، شراب‌خواری، نقض عهد و خیانت. قسم دوم، احکام ثانویه است که در هنگام بروز ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی، مقرر می‌شوند (جعفری، ۱۳۸۵: ۱۲۵-۱۲۷).

کیفیت تعیین احکام فقهی: بنا بر آنچه گفته شد، اگر انسان بخواهد به حیات معقولی که خالق انسان برای او مقدر کرده است، برسد باید در مدار دین که همان روش حرکت به سوی خالق است، قدم بردارد. طبیعتاً در حین حرکت، کاستی‌هایی که منجر به خروج او از برنامه مدون دینی است در علم فقه، بررسی می‌شود. موضوع فقه عبارت است از همه اعمال انسانی، اعم از درونی و بیرونی و گفتارها و ترک آن‌ها. منابع اسلامی فقه، عبارت است از کتاب، سنت، عقل و اجماع (جعفری، ۱۳۸۵: ۱۵۹). «عقل» نیرویی آماده برای پذیرش علم و دانشی است که نیروی باطنی انسان از آن سود می‌برد. عقل دو گونه است: عقل طبیعی و فطری و عقل اکتسابی. اگر عقل فطری در انسان نباشد، عقل اکتسابی برای او سودآور نیست. اصل کلمه «عقل» به معنای بند کردن و بازایستادن است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۳۰) از نظر لغوی، به معنای فهم و درک و معرفت است. در روایت، عقل این‌گونه معرفی شده است: «العقل ما عید به الرحمن و اكتسب به الجنان»؛ عقل، چیزی است که به وسیله آن خدای رحمان عبادت می‌شود و بهشت به وسیله آن به دست می‌آید (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱: ۱۱).

مراحل تحریم شراب خواری مطابق آیات قرآن: «خمر» در لغت به معنای پوشاندن چیزی است و اگر به نوشیدنی که سُکرآور است، «خمر» گفته می‌شود برای این است که در مرکز و جایگاه خرد انسان پنهان می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۶۳۸-۶۳۹). ابن عباس می‌گوید: مقصود از خمر، همه مشروبات سکرآور (و الکلی) است. پیامبر گرامی اسلام فرمود: خمر از نه چیز است: عسل، انگور، مویز، خرما، گندم، ذرت، جو، نوعی از جو که پوست ندارد. (طبرسی، بی‌تا، ج ۷: ۱۶۶)

همچنین در مورد «خمر» گفته شده هر شراب مست‌کننده و آمیزنده با عقل و پوشاننده آن است و آنچه کثیر آن مست‌کننده باشد، قلیل آن نیز «خمر» است. نظر دیگر که مؤید همین مطلب است، «خمر» را نامی برای هر مایع مست‌کننده، می‌داند و اصل آن به معنای پوشاندن و مستور کردن است که چون عقل را مستور می‌کند و نمی‌گذارد خیر و شر و زشت و زیبا را تشخیص بدهد، به آن «خمر» گفته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۸۱).

قرآن کریم با زمینه‌سازی و مقدمه چینی و آماده کردن مردم، در ۴ یا ۵ دسته آیات آن را حرام کرده است، ولی در اصل شریعت اسلام و نیز تمام ادیان الهی، شراب مطلقاً حرام بوده است. غیرمعقول است چیزی که مُزیل عقل است در دینی حلال و در دین دیگر حرام اعلام شده باشد (قرشی، بی‌تا، ج ۱: ۳۰).

آیات متعرض امر شراب، پنج دسته‌اند:

(الف) آیه نحل/۷۳: «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا»؛ از ثمر درخت نخل و انگور، شراب و رزق نیکو به دست می‌آورید. «سکر» حالتی است که میان انسان و عقل او قرار می‌گیرد و بیشتر درباره «مُسکِر» به کار می‌رود و گاهی از خشم و عشق هم عارض شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۳۲). در این آیه، پلیدی شراب را بیان می‌کند و چون «سکر» در مقابل «رزق حسن» قرار داده شده، معلوم می‌شود روزی خوبی نیست.

(ب) آیه اعراف/۳۳: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَ الْأِثْمَ»؛ بگو: خدای من حرام کرده است تنها زشتی‌های آشکار و پنهان و گناه. در این آیه، صریحاً اثم تحریم شده، ولی بیان نشده که انواع اثم چیست. مراد از «اثم»، گناهایی است که باعث انحطاط و ذلت و سقوط در زندگی می‌گردد، مانند میگساری که آبروی انسان و مال و جاننش را تباه می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۵: ۱۱۸).

(ج) آیه نساء/۴۳: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»؛ ای مردم مؤمن، در حال مستی به نماز نزدیک مشوید تا بدانید چه می‌گویید. در آیه سوره نساء، به نظر می‌آید مردم متوجه حرمت شراب نبودند و با نزول این آیه تاندازه‌ای از میگساری و مستی جلوگیری شد. در حقیقت آیه در مقام توضیح تحریم است.

(د) آیه بقره/۲۱۹: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»؛ درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند ای محمد (ص) بگو در آن‌ها گناه بزرگی است و منافعی (نیز) برای مردم دارد (ولی) گناهشان از منافعشان زیادتر است. در سوره بقره، به‌طور کلی خمر تحریم شد. از آن باب که «خمر» را اثم معرفی می‌کند و اثم قبلاً تحریم شده است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۳: ۲۸۵).

در این آیه، اثم در مقابل منفعت نیست که بتوان معنای آن را ضرر در نظر گرفت؛ زیرا در موارد استفاده اثم در قرآن، عناوینی مانند شرک مشاهده می‌شود که به‌هیچ‌وجه مفهوم ضرر از آن استنباط نمی‌شود. ولی حتی اگر به همین معنای ضرر باشد و مناط حرمت هم ضرر فرض شود، صراحت آیه بیان می‌کند اثم آن از منفعتش بیشتر است؛ بنابراین مطابق با همین آیه، شراب تحریم شده است.

(ه) آیه مائده/۹۱: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رُجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ

الْبَعْضَاءِ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدُّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»؛ ای مردم مؤمن، شراب و قمار و بت‌ها و تیرها جز پلیدی عمل شیطان نیستند، بنا بر این از آن‌ها اجتناب کنید، شاید رستگار شوید. تنها اراده شیطان این است که در شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه افکند و شما را از یاد خدا و نماز بازدارد.

چون مسلمانان با وجود این چهار مرحله هنوز به طور کلی شراب را کنار نگذاشته بودند، آیات سوره مائده نازل می‌شود که دلالت بر حرمت قطعی شراب می‌کنند. اولاً کلمه اثم در آن به کار رفته، دوم این که شراب را پلید و رجس خوانده، سوم این که عمل شیطان نامیده، چهارم این که دستور صریح بر اجتناب از آن داده شده، پنجم این که در آن اجتناب، انتظار و توقع رستگاری است، ششم آن که مفاسد شراب را بیان می‌کند، هفتم این که می‌پرسد آیا این بیان، شما را از این عمل زشت شراب‌خواری بازمی‌دارد یا نه؟ هشتم آن که بعد از این همه تأکید، مجدداً به اطاعت خدا و رسول دعوت می‌کند، نهم آن که خداوند از این که او را اطاعت بکنند یا نکنند، بی‌نیاز است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۲۵۴). بررسی آیات نشان می‌دهد که شارع مقدس، گرچه شراب را به تدریج تحریم فرموده است، ولی از همان اول با تأکید بر آن که «اثم» حرام است، مشخص شد که شراب هم اثم و در نتیجه حرام است.

مجازات شرب خمر در روایات: بنا بر نص قرآن، شراب‌خواری، اثم و رجس نامیده شده و عملی پلید از اعمال شیطان محسوب می‌شود؛ اما مجازات این عمل در قرآن بیان نشده و در روایات، تبیین شده است. در روایت از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «لَا تَدْخُلُ بَيْتاً وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرَبَ وَلَمْ يَعْمُرْ بِالْبِرْكَهَةِ الْخِيَانَةَ وَالسَّرْفَةَ وَشُرْبِ الْخَمْرِ وَالزَّانَا»؛ چهار چیز است که وارد خانه‌ای نمی‌شود مگر این که آن خانه خراب شده و بابرکت، آباد نخواهد شد: خیانت، سرقت، شراب خوردن و زنا. همچنین در روایت از امام صادق (ع) چهل شبانه‌روز نماز شراب‌خوار پذیرفته نمی‌شود و حتی شراب خوردن از نماز نخواندن بدتر معرفی شده است. چرا که با شراب‌خواری انسان حالی پیدا می‌کند که خدایش را هم نمی‌شناسد (شیخ صدوق، ۱۳۷۷: ۵۲۳، روایات ۱، ۲، ۳). چون شراب، عقل انسان را می‌پوشاند، شراب‌خوار مرتکب هر عمل زشتی می‌شود. لذا برای شارب خمر مجازات شدیدی در نظر گرفته شده است. از امام باقر (ع) روایت است که فرمودند: رسول خدا (ص) ده نفر را در رابطه با شراب لعنت کردند: کسی که درخت آن را بکارد، باغبان آن، سازنده آن، کسی که آن را می‌نوشد، ساقی آن، حمل‌کننده آن، کسی که آن را برای او حمل می‌کنند، فروشنده آن و کسی که سود آن به جیب او می‌رود (شیخ صدوق، ۱۳۷۷: ۵۲۷، روایت ۱۱).

این حجم از مقابله با شراب‌خواری در کمتر گناه دیگری دیده می‌شود و این، فقط

به دلیل آن است که با پوشیده شدن عقل در شراب خوار، هر نوع بدی می تواند صورت بگیرد. در روایت دیگری، پیامبر (ص) می فرماید: یکی از پادشاهان بنی اسرائیل، مردی را ناگزیر کرد که به انتخاب و اختیار خویش، باید یکی از اعمال شراب خواری، قتل، زنا، خوردن گوشت خوک را انجام دهد، وگرنه او را خواهد کشت. آن مرد شراب خواری را برگزید و چون مست شد همه کارهای دیگر را هم انجام داد (نوری، بی تا، ج ۴: ۲۵۷).

به اجماع علما، در مجازات شراب، حد شرب مسکر، هشتاد ضربه شلاق است. در مورد تعداد هشتاد ضربه ای که به شراب خوار زده می شود، این تعداد به زمان پیامبر اکرم (ص) استناد داده می شود. در زمان حضرت، بعد از نزول آیات تحریم خمر، اگر کسی شرب خمر می کرد، با کفش، بر او چند ضربه ای می زدند. تا آن که شراب خوار زیاد شد، پیامبر بر تعداد ضربات افزودند تا آن که بر روی هشتاد ضربه توقف کردند. در زمان عمر هم وقتی موضوع شراب خواری پیش آمد و عمر از امیرالمؤمنین (ع) سؤال کرد، حضرت فرمود هشتاد ضربه بزن (حر عاملی، ۱۳۷۰، ج ۲۸: ۲۲۱، ح ۱).

در توضیح چرایی هشتاد ضربه شلاق، از امام باقر (ع) روایت است که از امیرالمؤمنین (ع) نقل می کنند که حضرت فرمود: وقتی کسی شرب خمر می کند، مست می شود و کسی که مست می شود، هذیان می گوید و در هذیان گفتنش افترا می بندد. پس حد مفتری (حد قذف) به او بزنید؛ یعنی هشتاد ضربه شلاق (حر عاملی، ۱۳۷۰، ج ۲۸: ۲۲۲، ح ۴).

البته باید توجه کرد بیان امیرالمؤمنین (ع) به عنوان علت حکم نیست که کسی بگوید هرکجا شراب خوار گرفتار افترا بستن شد، حد می خورد و اگر مفتری نشد، حد نمی خورد، بلکه فرمایش حضرت، از باب بیان حکمت حکم است که غالباً شراب خوار، مرتکب مستی و هذیان و افترا می شود؛ بنابراین حکم به جهت مورد غالب در تمام موارد جاری است. (مقتدایی، درس خارج فقه) نکته مهم اینجاست که در روایات، حد خمر، به مجرد آشامیدن است که کم و زیاد آن تفاوتی ندارد. (حر عاملی، ۱۳۷۰، ج ۲۸: ۲۲۲، ح ۴)

از آنجا قانون مجازات اسلامی در ایران مبتنی بر نص قرآن و متن روایات است، مجازات شراب خوار هم در صورت ثبوت، هشتاد ضربه شلاق تعیین شده است. مطابق با این قانون، خوردن مسکر، موجب حد است، اعم از آن که کم باشد یا زیاد، خالص باشد یا مخلوط. همچنین حد مسکر بر شخص بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن جاری می شود. در این صورت حد شرب خمر، هشتاد ضربه تازیانه است. هرگاه کسی چند بار شرب خمر بنماید و هر بار حد بر او جاری شود،

در مرتبه سوم کشته می‌شود (میرزایی، ۱۳۸۵، ماده ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۹).
با توجه به آنچه گذشت، شراب می‌تواند اثرات سوء فردی و خانوادگی و اجتماعی ایجاد کند. بسیاری از افعال قبیح مانند شرک و قتل و زنا، به راحتی بعد از شرب خمر ایجاد می‌شود. اگر کسی با حد خوردن هم دست از شراب خواری بر نمی‌دارد، وجود او برای افراد جامعه خطرناک است. به واسطه پوشیده شدن عقل به دنبال مستی، فرد شراب‌خوار بر روی اعمال خود، اراده ندارد و هر کاری از او ساخته است. اصالت در اسلام بر جامعه است نه فرد. لذا برای سلامت و آزادی جامعه، حذف این فرد ضروری است.

فردی که به نسل و فرزندان خود هم رحم نمی‌کند و در صورت اقدام برای فرزند آوری در حال مستی، آن همه بیماری برای فرزند خود به ارمغان می‌آورد، آیا باید در افعال خود آزاد باشد. کدام عقل سلیمی می‌پذیرد که صرف عقیده آزادی فردی بی‌نهایت، آزادی گروه‌های بسیاری به خطر بیفتد؟

پاسخ به شبهه سوم: عدم تناسب مجازات شراب‌خواری با جرم

۱. تحریم شراب‌خواری در قرآن به دلیل شیوع آن در دوران جاهلیت، مرحله به مرحله صورت گرفته است.

۲. مطابق روایات، حد شراب‌خواری هشتاد ضربه تازیانه است و فرقی بین کم‌وزیاد آن نمی‌کند.

۳. چون شراب‌خوار در این هنگام، از عقل کافی برای تشخیص عمل درست و اراده برخوردار نیست، می‌تواند مبتلا به افترا شود؛ بنابراین حد مفتری بر او جاری می‌شود.

۴. تبعات شراب‌خواری چه جنبه اخلاقی و اجتماعی و چه جنبه سلامتی و بهداشتی آن زیاد است؛ بنابراین اگر کسی با وجود اجرای حد در مرحله اول و دوم متنبه نشد، در مرتبه سوم به قتل می‌رسد تا جامعه از آسیب او در امان بماند. بنابراین شبهه سوم نویسنده نقد قرآن باطل است.

شبهه چهارم: حرام نبودن مواد مضر دیگر در اسلام به دلیل شناخته نبودن

این ادعا، از عدم شناخت کافی در آیات قرآن نشئت می‌گیرد. اختیار بدن فرد در دست خودش نیست تا بتواند هر تصمیمی می‌خواهد برای آن بگیرد. لذا در گروهی از آیات قرآن، به این امر اشاره شده است.

در آیه بقره/۱۹۵ می‌فرماید: «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»؛ خودتان را به هلاکت و خطر نیفکنید. در آیه نساء/۲۹ می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»؛ و خودتان را نکشید. این دو آیه به طور عموم استفاده از هر ماده یا وسیله‌ای که به سلامت انسان آسیب وارد می‌کند را، نهی کرده است. بلکه از آن بالاتر در آیه

سوره نساء نه تنها استفاده شخصی آن منع شده است، بلکه از آنجا که دیگران در زبان قرآن، مثل خود انسان شمرده شده‌اند، پس وادار کردن یا تشویق دیگران به استفاده از مواد یا چیزهایی که برای سلامتی آن‌ها مضر است، چه کم چه زیاد، نهی شده است؛ بنابراین گرچه خیلی از مواد صنعتی و شیمیایی که برای انسان ضرر دارند، در زمان پیامبر (ص) شناخته یا ساخته نشده بودند، ولی طبق قانون کلی استعمال آن‌ها در هر زمان به محض تشخیص ضرر آن‌ها، حرام است.

در روایات هم آنچه به بدن انسان ضرر برساند، به طور کلی حرام شمرده شده است. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «وَأَمَّا مَا يَجِلُّ لِلْإِنْسَانِ أَكْلُهُ مِمَّا أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ فَثَلَاثَةٌ صُنُوفٍ مِنَ الْأَعْزِيَةِ... وَكُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ الْمَضَرَّةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ»؛ هر چیزی که برای انسان مضر باشد، خوردن آن حرام است مگر در حال ضرورت و ناچاری باشد (حرعاملی، ۱۳۷۰، ج ۲۵: ۸۴، ح ۵). پیامبر اسلام می‌فرماید: بدانید هر مست‌کننده‌ای حرام است و هر مادهٔ تخدیر گری حرام است و آنچه بسیارش مست‌کند، اندک آن نیز حرام است و آنچه عقل را زایل کند حرام است (کنز العمال، ۱۴۰۹، ق، ج ۵: ۳۶۸). مشهور فقها معتقدند که ضرر رساندن به بدن با هر چیزی که ضرر آن مشخص است، حرام خواهد بود. این قاعده در ذیل قانون فقهی «لَا ضَرَرَ وَلا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» بیان شده است. به استناد همین قاعده، مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در کتاب وسیله النجاه و بسیاری از مراجع تقلید و فقهای عظیم‌الشان به حرمت استعمال مواد مخدر حکم نموده‌اند (رحمتی شهرضا، ۱۳۸۹: ۱۵۹). بعضی فقها معتقدند استفاده از هر چیزی که ثابت شود برای بدن خالی از ضرر بوده و سودمند است چه سود نزدیک و چه در آینده، مباح و هر چیزی که خالی از منفعت برای انسان بوده و جز ضرر چیز دیگری نیست، استفادهٔ آن قبیح و ظلم به انسان محسوب می‌شود. (سید مرتضی، ۱۳۹۹، ج ۲: ۸۰۹، ۸۱۰). در عبارت دیگر بیان شده: «وَ ضَابِطَةُ الْمُحَرَّمِ مَا يَحْصُلُ بِهِ الضَّرَرُ عَلَى الْبَدَنِ وَ اِفْسَادِ الْمَزَاجِ»؛ ضابطهٔ حرام بودن چیزی برای انسان، آن است که برای بدن و مزاج انسان، ضرر داشته باشد (شهید ثانی، ۱۴۰۰، ج ۷: ۳۲۹).

این معنا در فتوای فقهای دیگر هم آمده است که هر چیزی که تناول آن به ضرر انسان باشد، حرام است، اعم از آن که موجب هلاکت انسان شود، مثل استفاده از سم و خودکشی، یا آن که به مزاج انسان آسیب برساند. (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۶۳، مسئله ۲)

پاسخ به شبههٔ چهارم: حرام نبودن سایر مواد مضر به انسان

۱. در آیات قرآن، ضرر رساندن به بدن انسان به هر ترتیب، اعم از قتل یا آسیب

به او نهی شده است.
۲. در روایات نیز، استعمال یا خوردن هر چیزی که به بدن انسان ضرر برساند، حرام شناخته شده است.
۳. با توجه به قرآن و روایات، مشهور فقها هم این است که استعمال یا خوردن هر چه برای بدن ضرر داشته باشد، اعم از آن که در زمان پیامبر (ص) وجود داشته یا نه نامش مطرح شده یا نه حرام است.
بنابراین شبهه وارد شده از طرف نویسندۀ نقد قرآن، حاکی از بی‌اطلاعی است و قرآن و روایات که ایشان به عنوان منبع سخنان خود به آن‌ها استناد کرده است، متفقاً استعمال هر چیز مضر به بدن را حرام اعلام کرده‌اند.

شبهه پنجم: حرام نبودن مواد مخدر در گروه طالبان به عنوان بزرگ‌ترین گروه اسلامی جمعیت‌شناسی افغانستان: مرکز تحقیقات و پژوهش‌های آمارگیری استراتژیک انگلیس ویژه ادیان و مذاهب موسوم به «لیوفر» جمعیت مسلمانان جهان را یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون نفر اعلام کرده که ۴۰۰ میلیون نفر را شیعیان تشکیل می‌دهند. (جمعیت مسلمانان شیعه، namnak.com) در آمار دیگر جمعیت مسلمانان همین حدود اعلام شده، لکن جمعیت شیعیان را ۲۰۳/۰۰۰/۵۷۴ نفر اعلام کرده است (مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه علمیه قم، pasokh.org)؛ اما جمعیت در افغانستان به دلیل سال‌ها جنگ و مسائل مختلف، به دقت آمارگیری نشده است. آنچه از شبکه‌های اطلاع‌رسانی افغانستان برمی‌آید این است که جمعیت افغانستان بین ۳۸-۴۰ میلیون نفر است. این جمعیت، متشکل از گروه‌های قومی، زبانی متعدد است. در بین این اقوام، چهار قوم جمعیت اصلی را تشکیل می‌دهند: پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک. پشتون‌ها ۳۸٪، تاجیک ۲۵٪، هزاره ۹٪، ازبک ۶٪ و بقیه را ترکمن و بلوچ و سایر تیره‌های نژادی تشکیل می‌دهند. اکثریت مردم افغانستان مسلمان هستند، مطابق برآوردها، ۶۵-۷۰٪ اهل سنت و ۳۰-۳۵٪ شیعیان است (www.afghanpaper.com).

نسبت طالبان و جمعیت افغانستان: گروه طالبان در آغاز از میان پشتونان سر برآورد. ساختار قدرت در افغانستان، همواره متکی به یک قوم بوده است: قوم پشتون. این‌که آن‌ها توانسته بودند به مدد برپایی سلطنت، موقعیت ویژه‌ای برای خود کسب کنند، موجب شد نوع خاصی از تفکر در آن‌ها شکل بگیرد که خود را نسبت به بقیه اقوام برتر ببینند. این تفکر بر این باور است که یا افغانستان وجود دارد که در این صورت باید زعامت پشتونان را بپذیرد یا مردم افغانستان این زعامت را نمی‌پذیرند که در این صورت افغانستانی وجود نخواهد داشت. طالبان، اسلام

را بر اساس فقه حنفی و فرمان‌های دینی ملاعمر تفسیر می‌کنند (پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۲۰-۳۴). در مقایسهٔ آمار، گرچه طالبان از گروه‌های پرجمعیت افغانستان محسوب می‌شوند، اما در مقایسه با جمعیت مسلمانان کل جهان، نمی‌توان آن‌ها را بزرگ‌ترین گروه مسلمان در جهان معرفی کرد و این مطلب مغالطه‌ای بیش نیست. چهار مذهب اصلی اهل سنت، حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی است. آمار هرکدام از این مذاهب در جهان، عبارت‌اند از: حنفی ۴۵۰ میلیون نفر، شافعی ۳۵۰ میلیون نفر، مالکی ۱۵۰ میلیون نفر و حنبلی ۵۰ میلیون نفر (مجلهٔ حوزه، شمارهٔ ۱۵۷).

طالبان و مواد مخدر: ملا هبت‌الله آخوندزاده رهبر گروه طالبان، در فروردین ۱۴۰۱ کشت تمام انواع مواد مخدر در افغانستان را ممنوع اعلام کرده است. انعام‌الله سمگانی سخنگوی طالبان در صفحهٔ توئیتر خود نوشت: بر اساس دستور رهبری طالبان کشت انواع مواد مخدر در افغانستان به صورت مطلق ممنوع اعلام شده است و اگر کسی از این فرمان تخلف کند، کشت وی تخریب و با این افراد برخورد خواهد شد. بر اساس فرمان رهبری طالبان همچنین در سراسر افغانستان استعمال و انتقال، خرید و فروش، واردات و صادرات و کارخانه‌های تولید هرگونه مخدر مثلاً شراب، هروئین، شیشه و غیره ممنوع شده است. این در حالی است که افغانستان یکی از عمده‌ترین کشورهای تولیدکننده مواد مخدر جهان است (پورتال جامع ستاد مبارزه با مواد مخدر، news.dchq.ir).

در سال ۱۳۹۹ ناصر اصلانی-معاون وقت مقابله با عرضه و امور بین‌الملل ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کرد که در حال حاضر بیشترین تولید کشور افغانستان تریاک و مواد استحصالی از آن (هروئین، مورفین و کراک) است. به اذعان او، بر اساس اطلاعات موجود، در سال ۲۰۰۰ مجموعه کشت مواد مخدر در کشور افغانستان ۲۶۵ هکتار بوده است، اما در سال ۲۰۲۰ این رقم به ۶۸۰۰ هکتار رسیده است. در سال ۲۰۰۰ مجموعه تولید مواد مخدر ۲۰۰ تن بوده اما در حال حاضر این رقم به ۸۵۰۰ تا ۱۰ هزار تن می‌رسد (خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا» www.isna.ir).

به نظر می‌آید طالبان در ظاهر قانون مبارزه با مواد مخدر را اعلام می‌کنند، ولی در عمل تجارت پرسود مواد مخدر را انجام می‌دهند. دست‌های پشت پردهٔ این تجارت پرسود، همان دولت‌هایی هستند که گروه طالبان را بر سر کار آورده‌اند، ولو آن‌که در ظاهر همهٔ این اعمال را به طالبان نسبت دهند.

پاسخ شبههٔ پنجم

با توجه به مطالب بالا می‌توان پاسخ شبههٔ پنج را این‌گونه خلاصه کرد:
۱. اطلاق بزرگ‌ترین گروه مسلمان بر طالبان، مطلب گزافی بیش نیست.

۲. طالبان چه در بدو ظهور که گروه مسلحانه‌ای بیش نبودند و چه اکنون که بر افغانستان حکومت می‌کنند، فرمان‌های منع کشت و تجارت مواد مخدر را اعلام کرده‌اند.

۳. مانند همه حکومت‌های جهان، چه بسا گروه‌هایی از تجارت‌کنندگان مواد مخدر، با طالبان در تعامل باشند. لکن اثبات این امر به دلیل پنهان بودن آن، مطلب ساده‌ای نیست.

بنابراین ادعای نویسنده نقد قرآن در این زمینه نیز پایه علمی نداشته و باطل است.

۳. نتیجه‌گیری

مخالفت با قرآن چه در سیاق علمی، مانند کتاب نقد قرآن و چه تهاجمی، مانند آتش زدن آن، امر جدیدی نیست. از آنجاکه دست مخالفان از هرگونه دلایل متقن خالی است، طبیعی است که با سرهم کردن دلایل به ظاهر علمی، مخالفت خود را متقن نشان دهند. با بررسی‌های دقیق در تحقیق این نتایج حاصل شدند:

۱. نهی از شراب‌خواری، مختص به دین اسلام نبوده و در کتب عهدین، عهد قدیم و جدید، نهی مکرر از شراب‌خواری ذکر شده است.

۲. نوشیدن مشروبات الکلی، تأثیرات جبران‌ناپذیری بر روی کبد، دستگاه گوارش، دستگاه عصبی و جنین ایجاد می‌کند. همچنین با ایجاد تخدیر بر روی عقل انسان، راه را برای اجرای اعمال قبیح به طرزی وقیحانه جری کرده و از این طریق، جامعه را به ناامنی می‌کشاند.

۳. تحریم شراب‌خواری به تدریج صورت گرفته تا جامعه آمادگی مقابله با آن را پیدا کند. از آنجاکه شراب‌خوار به دنبال زوال عقلی که بر اثر نوشیدن پیدا می‌کند، می‌تواند افترا ببندد، لذا حد شراب‌خوار در دین اسلام حد مفتری، یعنی هشتاد ضربه شلاق مشخص شده است. چون تبعات منفی شراب‌خواری زیاد است، اگر کسی با اجرای حد در دو مرتبه جداگانه متنبه نشد، حکم قتل برای او اجرا می‌شود.

۴. در اسلام خوردن و آشامیدن و استعمال هر ماده مضر برای سلامتی انسان حرام است و این مطلب منحصر به شراب نیست.

۵. اطلاق بزرگ‌ترین گروه مسلمان، بر گروه طالبان ادعایی بیش نیست. باین‌همه رهبر طالبان در دستوراتش، استعمال و کاشت مواد مخدر را حرام اعلام کرده است. تحقیق در مورد مسائل پنهانی مواد مخدر در حیطة اطلاعات نویسنده نقد قرآن نیست و لذا قابل استناد نخواهد بود.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم.

*نهج البلاغه.

*کتاب مقدس.

امینی، عبدالحسین. (بی تا). الغدير. بی تا. ترجمه محمدباقر بهبودی. ج ۴. تهران: بنیاد بعثت. پهلوان، چنگیز. (۱۳۷۸ ش). افغانستان عصر مجاهدين و برآمدن طالبان. تهران: نشر مهد مینا. ت. و. سدلر. (۱۳۹۴ ش). جنین شناسی پزشکی لانگمن. ترجمه دکتر غلامرضا حسن زاده، دکتر بهنام الدین جمعی. دکتر سالومه سادات صالحی. مریم قره داغی. چاپ اول. تهران: انتشارات ارجمند. جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۵ ش). فلسفه دین. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳ ش). صورت و سیرت انسان در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۲ ش). حیات حقیقی انسان در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۰ ش). وسایل الشیعه. ج ۱۷. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۰ ش). وسایل الشیعه. ج ۲۵. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۷۰ ش). وسایل الشیعه. ج ۲۸. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث. خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲ ش). تحریرالوسیله. ج ۲. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی. دن لونگو. (۱۳۹۷ ش). اصول داخلی هاریسون، بیماری های کبد و پانکراس. ترجمه دکتر آسیه شکیب. چاپ اول. تهران: انتشارات اندیشه رفیع. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۵ ش). مفردات الفاظ قرآن. ترجمه غلامرضا خسروی. تهران: انتشارات مرتضوی.

رحمتی شهر رضا، محمد. (۱۳۸۹ ش). آداب خودسازی در جوانی. قم: نشر محمدامین. سها. (۱۳۹۳ ش). نقد قرآن. نسخه اینترنتی. سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۳۹۹ ش). الذریعه الی اصول الشریعه. ج ۲. نسخه الکترونیکی. کتابخانه مدرسه فقاقت.

شاملو، سعید. (۱۳۸۱ ش). بهداشت روانی. تهران: انتشارات رشد. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۰۰). شرح لمعه. ترجمه علی شیروانی و محمد مسعود عباسی. ج ۷. چاپ هفدهم. قم: انتشارات دارالعلم.

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۷ ش). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: انتشارات اخلاق. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳ ش). تفسیر المیزان. ج ۳. تهران: انتشارات محمدی. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳ ش). تفسیر المیزان. ج ۱۱. تهران: انتشارات محمدی. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳ ش). تفسیر المیزان. ج ۱۵. تهران: انتشارات محمدی. طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). تفسیر مجمع البیان. ترجمه هاشم رسولی. ج ۷. چاپ اول. تهران: انتشارات فراهانی.

فلسفی، محمدتقی. (۱۳۷۸ ش). جوان از نظر عقل و احساسات. تهران: دفتر نشر معارف اسلامی. قرشی، سید علی اکبر. (بی تا). قاموس قرآن. ج ۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۴۸ ش). اصول کافی. ج ۱. تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام. متقی هندی. علاء الدین المتقی بن حسام الدین. (۱۴۰۹). کنز العمال. نسخه الکترونیکی.

فرمانیان کاشانی، مهدی. (۱۳۸۹ ش). «فرق و مذهب فعال در جهان اسلام»، شماره ۱۵۷، مجله حوزه، میرزایی، علیرضا. (۱۳۸۵ ش). قانون مجازات اسلامی. تهران: انتشارات بهنامی. Fa.parsiteb.com (سایت پارسی طب. مقاله مضرات مشروبات الکلی)

www.eshia.ir (سایت ارتباط شیعی. مدرسه فقاقت. مقتدایی، مرتضی، درس خارج فقه ۱۳۷۲/۲/۸۷)

pasokh.org (سایت مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه علمی قم)

www.afghanpaper.com (سایت شبکه اطلاع رسانی افغانستان)

www.isna.ir (سایت خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»)

news.dchq.ir (سایت پورتال جامع ستاد مبارزه با مواد مخدر)